

رنج و مشقت اکثریت مردم عراق در طول ۱۰ سال گذشته واقعیتی انکارناپذیر و آشکار است. این که چه کسی مسئول چنین اوضاع نابسامانی است، موضوع این بررسی را تشکیل می‌دهد. به‌طور کلی دو دیدگاه متفاوت در این زمینه وجود دارد. عده‌ای اعمال تحریم‌های سازمان ملل و محدودیت‌های ایجاد شده، در قالب قطعنامه‌های مصوب شورای امنیت را دلیل اصلی بروز نابسامانی‌های اکثریت مردم عراق می‌دانند. در مقابل بسیاری نیز معتقدند که سیاست‌های اعمال شده از سوی دولت عراق، همچون عدم پذیرش به موقع قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل، تبعیض قائل شدن میان مردم نواحی مختلف کشور، اعمال سیاست‌های نامناسب در توزیع مواد غذایی (در چارچوب برنامه نفت برای غذا) و مراقبت‌های بهداشتی، نقشی اساسی در بروز و تشدید این نابسامانی‌ها دارند. از این دیدگاه، دولت عراق سعی دارد تا با ارائه آمارهای همراه‌کننده و بی‌تناسب در مورد میزان مرگ و میر مردم این کشور و خصوصاً کودکان زیر ۵ سال، تمامی تقصیرها و مسئولیت‌ها را بر دوش سازمان ملل و اعمال تحریم‌ها بیندازد. این تحقیق، ضمن بررسی میزان تأثیرات سازمان ملل در این زمینه، به نقش واقعی و مسئولیت دولت عراق در تشدید این وضعیت اسف‌بار می‌پردازد و سعی می‌کند تا با ارائه آمار و تجزیه و تحلیل علمی، به نتیجه‌ای معقول و واقع‌بینانه در این زمینه دست یابد.

* دکتر کیهان برزگر محقق ارشد مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه و مدرس روابط بین‌الملل در دانشگاه.

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هشتم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۰، صص ۱۹۴-۱۷۳.

آمارهای رسمی مرگ و میر و ارائه اطلاعات گمراه کننده از سوی دولت عراق

طبق سرشماری عمومی سال ۱۹۹۷، جمعیت عراق در اکتبر آن سال به ۲۲,۰۱۷,۹۸۳ نفر می‌رسید که از این تعداد، ۵۰,۳ درصد را زنان تشکیل می‌دادند. به دنبال آن اداره آمار عراق ادعا کرد که این تعداد خیلی کمتر از میزان جمعیتی است که به طور معمول باید باشد. از این دیدگاه، اگر در نتیجه تحریم‌های بین‌المللی نبود، جمعیت عراق باید به میزان ۲۳,۵۱۷,۹۸۳ نفر می‌رسید. این بدان معنی است که، حدود ۱,۵ میلیون نفر از مردم این کشور در اثر اعمال تحریم‌های سازمان ملل از بین رفته‌اند. چنین ادعایی همواره از اواسط دهه ۱۹۹۰، توسط بغداد مطرح می‌شده است، اما از آنجائی که اجازه بررسی‌های جداگانه‌ای به سازمانهای بشر دوستانه بین‌المللی داده نمی‌شد، لذا آنها نیز آمارهای رسمی دولت عراق را تکرار می‌کردند. به عنوان مثال، سازمان یونسف از بغداد گزارش داد که تا سپتامبر ۱۹۹۵، در نتیجه اعمال تحریم‌ها، حدود ۱,۲ میلیون نفر از مردم عراق در سنین مختلف، جان خود را از دست داده‌اند و یا یک سازمان غیردولتی آمریکایی^۱ در سال ۱۹۹۷، اعلام کرد که در نتیجه اعمال این تحریم‌ها، ۱,۴ میلیون نفر از مردم عراق از بین رفته‌اند.^۲

با این وجود دشوار است که برآورد آماری دولت عراق را در شکل ظاهری پذیرفت. مقایسه افزایش جمعیت بین دو سرشماری عمومی آخر، دقیقاً درصد افزایش جمعیت عراق را در دو دهه قبلی نشان می‌دهد. براساس این سرشماری‌ها، بین سالهای ۱۹۷۷ و ۱۹۸۷، جمعیت عراق از ۱۲ میلیون نفر به ۱۶,۳ میلیون نفر رسید (یعنی افزایش ۳۵,۸ درصد) و مجدداً بین سالهای ۱۹۸۷ و ۱۹۹۷، این میزان از ۱۶,۳ میلیون نفر به ۲۲,۰۱۸ میلیون نفر (یعنی افزایش ۳۵,۱ درصدی) افزایش یافت.^۳ [بنگرید به: نمودار شماره یک]. بنابراین پذیرش این ادعا که کاهش اندک در نرخ رشد جمعیت در دهه دوم، در نتیجه مرگ و میر زیاد ناشی از اعمال تحریم‌های سازمان ملل است، اولاً- با توجه به تعداد عراقی‌هایی که اخیراً کشور را ترک کرده‌اند، کامل و دقیق است (این تعداد حدود ۴۵۰ هزار نفر را تشکیل می‌دهند که در کشور اردن به سر می‌برند و بعضی از آنها در سرشماری شرکت کرده‌اند)، و ثانیاً- این

ادعا تصور می کند که هیچگونه کاهش در «نرخ خام تولد»^۴ وجود نداشته است. با این وجود، حتی اگر این ادعا را بپذیریم، کاهش حدود ۰٫۷ درصد در نرخ رشد طبیعی جمعیت در طول یک دهه، برای نشان دادن مرگ و میر ۱٫۵ میلیون نفری، بسیار ناچیز است. در واقع اگر نرخ رشد جمعیت عراق در دهه دوم، همانند دهه اول (۳۵٫۸) بوده است، بنابراین تا اکتبر ۱۹۹۷، جمعیت عراق باید به میزان ۲۲٫۱۳۵٫۴۰۰ نفر (یعنی ۱۶٫۳ میلیون نفر به علاوه ۳۵٫۸ درصد) می رسید، نه به میزان ۲۳٫۵۱۷٫۹۸۳ نفر که دولت عراق ادعا کرده است. لذا نمودار رسمی عراقیها در این زمینه پذیرفتنی نیست.

از سوی دیگر، هیچگونه اطلاعاتی برای تأیید این ادعا که ۱٫۵ میلیون نفر در اثر اعمال تحریم های سازمان ملل از بین رفته اند، وجود ندارد. آخرین آمار رسمی که از سوی عراقی ها منتشر شده (از سال ۱۹۹۳)، کاملاً نشان می دهد که بین سالهای ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱، میزان کل متولدین از ۶۶۰٫۳۸۵ نفر به ۴۸۲٫۲۹۰ نفر کاهش یافته است (البته کاهش شدیدی است).^۵ این جریان شاید در نتیجه دوره های مداوم بسیج نظامی عمومی (بین آگوست ۱۹۹۰ و آوریل ۱۹۹۱، حدود ۱٫۲ تا ۱٫۴ میلیون نفر، تحت اختیار ارتش قرار داشتند)، درگیری در یک جنگ تمام عیار و بروز شورش عمومی در جنوب کشور (مارس تا آوریل ۱۹۹۱) قابل توضیح باشد. زمانی که بسیاری از مردان تحت نظر ارتش بوده و از خانه و زندگی خود دور باشند، جو عمومی دچار نوعی هراس و بی اعتمادی می شود، لذا میزان بارداری به طور طبیعی روبه کاهش می گذارد. وقتی این مسئله با تنگناهای اقتصادی نیز توأم شود (همانند مورد عراق از اوایل ۱۹۹۱) چنین روند روبه کاهش، تشدید می شود. به عنوان مثال، در دوران تشدید جنگ و بی ثباتی در مصر، نرخ تولد کاهش یافت.^۶ این روند در دوران ثبات و آرامش سیاسی جامعه برعکس می شود، یعنی حتی اگر تنگناهای اقتصادی هم وجود داشته باشد، نرخ تولد حالت عادی خود را طی می کند. بنابراین روند موجود در عراق، باید برعکس روند کاهش نرخ خام تولد، بین سالهای ۱۹۷۰ و ۱۹۹۴ در کشورهایی چون مصر، سوریه، اردن، الجزایر و تونس باشد.^۷ همچنین این جریان درست برعکس روند درازمدت در خود عراق از اواخر دهه ۱۹۵۰ - به شکلی که اداره آمار عراق رسماً

گزارش داده-می باشد. البته کاهش نرخ خام تولد در طول جنگ ایران و عراق و تلفات سنگین جنگ، دولت عراق را به ایجاد انگیزه های مالی به منظور تقویت و بالابردن رشد جمعیت ترغیب کرد. اما تأثیرات این امر کاملاً روشن نیست. تا جایی که به اطلاعات رسمی مربوط می شود، بین سالهای ۱۹۷۷ و ۱۹۸۷ نرخ رشد جمعیت، کاهش یافت.^۸

از آنجایی که هیچگونه اطلاعات رسمی قابل دسترسی از سوی دولت عراق برای اواسط و اواخر دهه ۱۹۹۰ وجود ندارد، بنابراین باید از اطلاعات نیمه رسمی استفاده کرد. اطلاعات آماری نهادهای تابعه سازمان ملل، همچون، «کمسیون اقتصادی آسیای غربی» که از سال ۱۹۸۵، به «کمسیون اقتصادی و اجتماعی آسیای غربی»^۹ تبدیل گردید، نیز از منابع آماری ملی کشورهای عضو به دست می آید.^{۱۰} از این لحاظ، اطلاعات این کمسیون منبع موثق و خوبی است. طبق اطلاعات این کمسیون، نرخ خام تولد در عراق، بین سالهای ۱۹۸۶ و ۱۹۹۶، به طور مداوم و توأم با نوساناتی کاهش یافته، یعنی از میزان ۴۵٫۱ در هر ۱۰۰۰ نفر به میزان ۳۱٫۳ در هر ۱۰۰۰ نفر رسیده است [بنگرید به: جدول یک و نمودار شماره ۲]. همچنین همانند کاهش نرخ خام تولد، «نرخ کل باروری»^{۱۱} نیز از اواسط دهه ۱۹۸۰ کاهش یافته است [بنگرید به: نمودار شماره ۳].

به طور کلی سه دلیل عمده برای کاهش نرخ خام تولد و نرخ کل باروری، می توان در نظر گرفت: ۱- در نظر گرفتن این واقعیت که بسیاری از مردان، عمدتاً بین سنین ۱۸ و ۴۵ سالگی، یعنی زمانی که ازدواج می کنند و بچه دار می شوند، در جنگ ایران و عراق کشته شدند. شدیدترین تلفات وارده به عراق در جنگ، بین فوریه ۱۹۸۶ و آوریل ۱۹۸۷ بود؛ ۲- دلیل دیگر به وضعیت بد اقتصادی برمی گردد که از پایان جنگ ایران و عراق، یعنی زمانی که شیخ نشین های حوزه خلیج فارس کمک های مالی و اقتصادی خود به عراق را قطع کردند و همچنین به دنبال درگیر شدن این کشور در جنگ دوم خلیج فارس و اعمال تحریم های بین المللی، بدترین وضعیت اقتصادی نصیب عراق شد؛ ۳- دلیل سوم احتمالاً به افزایش سطح تحصیلات دختران و زنان جوان باز می گردد. به طور معمول این مسئله یک عامل مهم در کاهش نرخ خام تولد است. در عراق بین سالهای ۸۱-۱۹۸۰ و ۹۰-۱۹۸۹،

حضور دختران در دبیرستان از ۲۲ درصد به ۳۹ درصد افزایش یافت. همچنین حضور دختران در دانشگاهها از ۳۱ تا ۳۲ درصد به ۳۹ درصد افزایش یافت. همزمان در دوره مشابه، تعداد دانش آموزان دختر در دوره دبیرستان از ۳۰۳,۶۰۰ به ۳۸۵,۵۰۰ نفر و تعداد دانشجویان دختر در دانشگاهها نیز از ۳۰,۲۰۰ به ۶۱,۲۰۰ نفر افزایش یافت.^{۱۲} البته با توجه به وضعیت بد اقتصادی، بسیاری از دانش آموزان دختر از ادامه تحصیل انصراف دادند، اما آن تعدادی که در اواخر دهه ۱۹۸۰ از دبیرستان فارغ التحصیل شدند، به سن ازدواج و بچه دار شدن در دهه ۱۹۹۰ رسیدند و لذا نتیجه تحصیلات آنها در این مسئله تأثیرگذار بود. در مجموع، کاهش نرخ خام تولد به احتمال زیاد، در اثر تمامی سه جریان فوق بوده است. اما نتیجه ای که می توان از این بحث گرفت، اینکه کاهش شدید در نرخ خام تولد، تنها در اثر از بین رفتن کودکان در اثر اعمال تحریم های سازمان ملل نمی باشد، چرا که بیشتر کسانی که طبق ادعای دولت عراق در سال ۱۹۹۷، از بین رفته اند، هرگز به دنیا نیامده بودند. البته این بدان معنا نیست که فقط تعداد کمی از مرگ و میرها در نتیجه اعمال تحریم ها بوده است.

آمار مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال: افسانه یا واقعیت

ارائه آمارهای رسمی در مورد میزان مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال از سوی دولت عراق، نشانه دیگری از دستکاری اطلاعات به منظور گمراه کردن سازمانهای بشردوستانه بین المللی است. به عنوان مثال، در جولای ۱۹۹۷، بغداد گزارش داد که تقریباً از آگوست ۱۹۹۰ (یعنی از زمان تهاجم عراق به کویت که تحریم ها علیه عراق آغاز گردید)، حدود یک میلیون عراقی در نتیجه اعمال تحریم ها جان خود را از دست داده اند.^{۱۳} اگر چنین مسئله ای حقیقت داشته باشد، به این معناست که به طور متوسط حدود ۱۲,۰۰۰ نفر در هر ماه جان خود را از دست داده اند. گزارش «سازمان خواروبارو کشاورزی ملل متحد» (فائو)،^{۱۴} در سال ۱۹۹۵ حاکی از مرگ حدود ۵۰۰,۰۰۰ کودک زیر ۵ سال از آگوست ۱۹۹۰ دارد. بدین معنی حداقل ۸,۳۰۰ نفر در هر ماه از بین رفته اند.^{۱۵} در می ۱۹۹۵، «برنامه انسان دوستانه درون سازمانی سازمان ملل برای عراق»^{۱۶} که در بغداد انتشار یافت،

برآورد کرد که از آگوست ۱۹۹۱ تاکنون حدود ۵۶۰,۰۰۰ کودک زیر ۵ سال در نتیجهٔ اعمال تحریم‌ها جان خود را از دست داده‌اند (یعنی به طور متوسط ۵۷۰۰ نفر در هرماه).^{۱۷} نهایتاً بین اواخر ۱۹۹۶ و اوایل ۱۹۹۷ مقامات عراقی، اقدام به طرح نمودار جدیدی کردند و از مرگ و میر حدود ۵,۰۰۰ نفر در هرماه گزارش دادند.

ظاهراً براساس این اطلاعات رسمی و جدید عراقی‌ها، یونیسف در اکتبر ۱۹۹۶، از مرگ حدود ۴,۵۰۰ کودک زیر ۵ سال در هرماه در نتیجهٔ اعمال تحریم‌های سازمان ملل گزارش داد.^{۱۸} «سازمان بهداشت جهانی»^{۱۹} نیز نمودار ۴۵۰۰ نفر در هرماه را به کار گرفت، اگرچه بررسی مستقلی از سوی این سازمان رأساً انجام نگرفت.^{۲۰} در واقع چنین تغییراتی، به راحتی قابل توضیح نیستند. هرچند ممکن است، بین سالهای ۱۹۹۵ و اواخر ۱۹۹۶، وضعیت بشردوستانه در عراق بدتر شده باشد، اما مواد غذایی خریداری شده در چارچوب «برنامه نفت برای غذا»^{۲۱} از اواخر مارس ۱۹۹۷ وارد عراق شدند و بنابراین از این تاریخ وضعیت روبه بهبود نهاد. البته این امکان وجود دارد که اطلاعات جدید ارائه شده از سوی دولت عراق، نتیجهٔ حساسیت عراقی‌ها و عکس‌العمل آنها به انتقادات محققان بدبین در ایالات متحده باشد.^{۲۲}

در اواسط و اواخر سال ۱۹۹۹، دولت عراق به طرز عجیبی در سیاستهای خود تغییر جهت داد، به نحوی که اعتبار آمارهای رسمی ارائه شده از سوی دولت را شدیداً زیر سؤال برد. یعنی زمانی که تمامی سازمانهای تابعه سازمان ملل گزارش دادند که در نتیجهٔ اعمال برنامه نفت برای غذا، سوء تغذیه کودکان و میزان مرگ و میر کاهش یافته و حتی به سوی بهبود پیش می‌رود. به عنوان مثال در کردستان عراق، وضعیت آشکارا بهبود یافته. منابع رسمی عراقی سعی کردند تا موضوع را وارونه جلوه دهند.^{۲۳} در این زمان سخنگوی دولت عراق با استفاده از منابع مختلف (همچون منابع سازمان ملل، جامعهٔ عرب و...)، گزارش داد که میزان مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال، به طور قابل توجهی با جهش به بالای ۶۰۰۰ نفر در هرماه افزایش یافته است.^{۲۴} همچنین سخنگوی وزارت بهداشت عراق اظهار داشت که بعضی از سازمانهای بشردوستانهٔ غربی باید این نمودار را بپذیرند. او حتی ادعا کرد که در آگوست

۱۹۹۹، در هرماه حدود ۷,۶۳۲ کودک زیر ۵ سال در نتیجه اعمال تحریم ها از بین رفته اند.^{۲۵}

بین سالهای ۱۹۹۱ و جولای ۱۹۹۹، جز در موارد بسیار اندک، هیچ بررسی میدانی از میزان مرگ و میر کودکان عراقی صورت نگرفته است. بنابراین روشن نیست که آیا این مسئله ناشی از اعمال تحریم های سازمان است یا خیر؟ تنها بررسی میدانی، اصولی و مستقل را یک متخصص واگیرشناسی به نام «دکتر ریچارد گارفیلد»^(۱) از دانشگاه کلمبیا بین ۲۵ آگوست و ۵ سپتامبر ۱۹۹۱ انجام داده است که به عنوان یک بررسی مرجع در این زمینه وجود دارد. اعضای گروه گارفیلد اجازه یافتند که آزادانه به تمامی بخش های عراق دسترسی داشته باشند. دولت عراق نیز محدودیتی برای آنها ایجاد نکرد. به همین لحاظ این بررسی قابل اعتماد و استناد است. گارفیلد همچنین از آمارهای رسمی دولت عراق در مورد مرگ و میر کودکان از اواخر دهه ۱۹۸۰، یعنی زمانی که دولت هیچ انگیزه ای برای ارائه اطلاعات غلط نداشت، استفاده کرد.

بررسی گارفیلد، همچنین ارتباط مرگ و میر با عوامل مربوط به زیر ساخت های جامعه، همچون، خدمات بهداشتی و تحصیلات، مصونیت سازی، درآمد و قیمت غذا و... را مورد آزمایش قرار داد. این بررسی همچنین با استفاده از اطلاعات و میزان مرگ و میر، سوء تغذیه و زیر ساخت های اجتماعی در سایر کشورهایی که شرایط آنها کم و بیش با شرایط عراق قابل مقایسه بودند، سعی در شبیه سازی آماری در این زمینه کرد. نهایتاً گارفیلد براساس تجزیه و تحلیل آماری تخمین می زند که بین آگوست ۱۹۹۰ و مارس ۱۹۹۸، چیزی بین ۱۰۶,۰۰۰ تا ۲۲۷,۰۰۰ کودک زیر ۵ سال، در نتیجه ترکیبی از اعمال تحریم ها و فاجعه ای که قبل از آن یعنی در اثر تهاجم عراق به کویت اتفاق افتاد، از بین رفته اند. همچنین براساس این بررسی، حدود یک چهارم کل مرگ و میر، نتیجه مستقیم جنگ خلیج فارس و بروز سختی و مشقت ناشی از آن بود، نه در نتیجه اعمال تحریمها.^{۲۶} این بدان معناست که به طور متوسط، بین آگوست ۱۹۹۰ و مارس ۱۹۹۸، هرماه حدود ۱۸۵۰ کودک زیر ۵ سال، در نتیجه اعمال

1. Richard Garfield

تحریم‌های سازمان ملل از بین رفته‌اند. به عبارت دیگر، به طور میانگین هر روز بیش از ۶۰ کودک جان خود را از دست داده‌اند. بنابراین مشاهده می‌کنیم که این میزان مرگ و میر، با ادعای دولت عراق، یعنی از بین رفتن ۱۲,۰۰۰ یا ۱۶,۰۰۰ یا ۵,۰۰۰ نفر در هر ماه، کاملاً متفاوت است.

از دیدگاه گارفیلد، دلایل اصلی مرگ و میر به بیماریهایی چون اسهال و مشکلات تنفسی برمی‌گردد که در نتیجه استفاده از آب آلوده، عدم وجود غذای مقوی، تغذیه نامناسب مادران شیرده، ناآگاهی از چگونگی از شیر گرفتن کودکان و به طور کلی تخریب نظامی کلی مراقبت‌های بهداشتی است.^{۲۷} سرانجام این بررسی نتیجه‌گیری می‌کند که بیشترین میزان مرگ و میر در بخش‌های جنوبی و شیعه‌نشین و کمترین میزان در منطقه بغداد بوده است. بنابراین جای تعجب نیست که میزان مرگ و میر در نواحی روستایی و در میان قشر فقیر و خانواده‌هایی که از نظر تحصیلات و آموزش در سطح پایین‌تری قرار داشته‌اند، بیشتر باشد.^{۲۸}

مطالعه میدانی دیگری که در جولای ۱۹۹۹، بر روی ۲۴ هزار خانواده عراقی در نواحی تحت کنترل دولت عراق صورت گرفت، مربوط به بررسی مستقل یونیسف در این زمینه است. این بررسی نشان می‌دهد که بین سالهای ۸۹-۱۹۸۴ و ۹۴-۱۹۸۹ و ۱۹۹۹-۱۹۹۴، نرخ مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال، ۲,۳۴ مرتبه به ترتیب در دوره‌های فوق از میزان ۵۶ به ۹۲ و به ۱۳۱ در هر ۱۰۰۰ نفر افزایش یافته است. بررسی مشابه دیگری در منطقه خودمختار کردنشین شمال عراق بر روی ۱۶۰۰۰ خانواده‌گرد، نشان می‌دهد که این نرخ از میزان ۸۰ در هر ۱۰۰۰ نفر، در طول سالهای ۸۹-۱۹۸۴، یعنی زمانی که کردستان عراق تحت کنترل کامل دولت عراق قرار داشت، به میزان ۹۰ در هر ۱۰۰۰ نفر در طول سالهای ۹۴-۱۹۸۹، یعنی زمانی که کردهای عراقی تحت فشار دولت عراق به مهاجرت در طول مرزها مبادرت کردند، افزایش یافته است.

سوء تغذیه کودکان: تأثیر تحریم‌ها و نقش دولت عراق

سالهای ۱۹۹۶-۱۹۹۱، سالهای سختی برای کودکان عراقی به حساب می‌آیند. طبق گزارش یونیسف، در طول این دوره، سطح سوء تغذیه کودکان زیر ۵ سال، به میزان

۷۲ درصد افزایش یافت. علی‌رغم آغاز برنامه نفت در برابر غذا، تأمین مواد غذایی اصلی جهت کاهش محسوس میزان سوء تغذیه کافی نبوده است. اولین عکس‌العمل مهمی که نسبت به این فاجعه انسانی صورت گرفت، گزارش ویژه دبیر کل سازمان ملل در فوریه ۱۹۹۸ به شورای امنیت بود. این گزارش همراه با ارائه پیشنهادهای مثبت در ارتباط با مصارف درآمدهای نفتی، خواستار برنامه غذایی کاملتری همراه پروتئین‌های حیوانی، احیاء شبکه مراقبت‌های بهداشتی، مرمت شبکه‌های آب و فاضلاب و پیشرفت‌های محسوس در زمینه تولیدات کشاورزی بود. دبیر کل پیشنهاد کرد که علاوه بر این هزینه‌های بسیار ضروری، بازسازی شبکه‌های برق نیز در دستور کار قرار گیرد و در این زمینه، به طور مجزا، درآمدهای حاصل از فروش بیشتر نفت سرمایه‌گذاری شود.^{۲۹} هرچند پیشنهادات دبیر کل با موافقت شورای امنیت روبرو شد و حتی اقداماتی نیز در جهت بهبود این وضعیت صورت گرفت، اما این روند فاجعه‌آمیز همچنان تداوم یافته است.

در آوریل ۱۹۹۹، یونیسف بررسی گسترده‌ای را با مطالعه بر روی ۲۲,۵۹۹ کودک زیر ۵ سال، در مناطق تحت کنترل دولت عراق آغاز کرد. مقایسه نتایج این بررسی با اطلاعات مارس ۱۹۹۸، نشان دهنده بهبود اندکی در کاهش کسری وزن یا سوء تغذیه عمومی، از میزان ۲۲,۸ درصد به حدود ۲۱,۳ درصد می‌باشد. در روند تحلیل توان و نیروی کودکان نیز، بهبود بسیار جزئی مشاهده می‌شود. مسئله قابل توجه‌تر، بهبود نسبی در کاهش سطح رشد، از میزان ۲۶,۷ درصد به ۲۰,۴ درصد است. این بدان معناست که به دنبال اجرای قطعنامه ۹۸۶ شورای امنیت و برنامه نفت برای غذا، برای نخستین بار روند روبه افزایش سطح سوء تغذیه متوقف شده و از ثبات نسبی برخوردار گردیده است.^{۳۰} در واقع دولت عراق با به تأخیر انداختن اجرای قطعنامه‌های سازمان ملل به مدت ۶ سال، مسئولیت سنگینی در ایجاد و تشدید روند سوء تغذیه کودکان عراقی بر دوش دارد.

نکته مهم دیگری که باید به آن توجه کرد، مسئله اعمال تبعیض دولت عراق است. بدین معنی که میزان تخصیص منابع مالی ناشی از برنامه نفت برای غذا، به میزان وابستگی مناطق مختلف کشور به دولت و شدت کنترل بغداد در آن مناطق بستگی دارد. این تبعیض

در تمامی زمینه‌ها مشاهده می‌شود. به عنوان مثال بیمارستانهای وابسته به نواحی تحت کنترل کامل دولت، یعنی بیمارستانهای نواحی مختلف پایتخت و اطراف آن، از لحاظ امکانات وضعیت بهتر و راحت‌تری دارند. یا نظامیان و خانواده‌های آنها از آسایش و امکانات بیشتری برخوردارند. همچنین قبایل وابسته به صدام که وفاداری آنها به اثبات رسیده از وضعیت مناسبی بهره‌مند هستند. در مقابل وضعیت مردم در نواحی شیعه‌نشین جنوب عراق که در واقع چندین بار علیه حکومت مرکزی دست به شورش زده‌اند و جامعه بین‌المللی نیز - برعکس نواحی گردنشین شمال کشور^{۳۱} - توجه چندانی به آنها ندارند، وضعیت به مراتب سخت‌تر و پرمشقت‌تر است. به عنوان مثال، وضعیت مردم منطقه شیعه‌نشین کربلا در جنوب عراق، درست مقابل منطقه بغداد است و امکانات در این منطقه به سختی توزیع شده و دسترسی به آنها برای مردم بسیار دشوار است.

تأثیر اعمال تحریم‌ها و قطعنامه‌های سازمان ملل بر اوضاع و سطح زندگی مردم عراق
از اگوست ۱۹۹۰، زندگی در عراق با رنج و مشقت فراوانی برای مردم این کشور همراه بوده است. در هیچ‌جای دنیا سطح استاندارد عمومی زندگی تا این حد سریع و عمیق کاهش نیافته است. معمولاً در چنین شرایط بحرانی، افراد طبقه متوسط و متوسط پایین، افراد تحصیل کرده و دانشگاهی بیشترین ضربه و فشار را تحمل می‌کنند، چرا که از لحاظ موقعیت اقتصادی و اجتماعی در وضعیت بدتری قرار می‌گیرند و هیچ‌گونه آینده‌حرفه‌ای برای آنها قابل پیش‌بینی نیست. «فیلیس»^(۱) در این زمینه می‌گوید: «شما می‌توانید خلبانان خطوط هوایی عراق را ببینید که در حال حاضر به عنوان کارمندان مرکز تجارت بین‌المللی مشغول به کار هستند، به تلفن‌های بازدیدکنندگان خارجی پاسخ می‌دهند... آنها به عنوان راننده برای سازمان ملل کار می‌کنند،... تقریباً هر یک از آنها دارای مدرک دکتری یا فوق‌لیسانس هستند.»^{۳۲} در حال حاضر حتی سرگرمیها و تفریحات ساده روزانه نیز برای اکثریت مردم عراق از بین رفته است.

بدتر از همه تأثیرات این بحران های اقتصادی بر مسائل اجتماعی و خانوادگی است. «دنيس هالیدی»^(۱) یکی از مقامات ارشد سابق سازمان ملل که دوران طولانی از مأموریتش را در عراق گذراند و سرانجام نیز به خاطر اعتراض به تداوم تحریم اقتصادی علیه این کشور، از شغلش استعفا داد، به تأثیرات عمیق بحران های اقتصادی بر زندگی اجتماعی و خانوادگی مردم عراق اشاره می کند. از نظر او، اعمال تحریم ها در بنیان جامعه و هنجارهای عراق رخنه کرده و به ارزشهای اسلامی خانواده آسیب رسانده اند. آمار طلاق رو به رشد است. میزان ازدواج به دلیل این که جوانان از عهده مخارج ازدواج بر نمی آیند، روبه کاهش است و امروزه خانواده های بسیاری را می توان یافت که تک والدی هستند و مادر به تنهایی برای تأمین هزینه های زندگی کار و تلاش می کند. رقم ترک تحصیل بین کودکان افزایش یافته و تکدی گری و بیکاری امری شایع و رایج است. وقوع جرم و جنایت و فحشاء افزایش یافته است. پدیده فرار مغزها روز به روز بیشتر می شود و هزاران نفر از متخصصان عراقی به دلیل بیکاری به کارهای پست روی آورده اند.^(۲) به همه مشکلات فوق باید به حدود ۴۵۰ هزار عراقی نیز اشاره کرد که در جامعه اردن سرگردان، ناامید و افسرده زندگی می کنند و میلی به بازگشت ندارند و جای دیگری نیز نمی توانند بروند.

هر چند تصویب قطعنامه ها و اعمال تحریم های شورای امنیت سازمان ملل، نقشی اساسی در وضعیت بد اقتصادی و اجتماعی مردم عراق ایفاء کرده است، اما دولت عراق نیز با عدم پذیرش به موقع این قطعنامه ها، مسئولیت سنگینی در تشدید این اوضاع نابسامان دارد. در آگوست و سپتامبر ۱۹۹۱، شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه های ۷۰۶ و ۷۱۲ را به تصویب رساند که در آنها به عراق اجازه داده می شد تا میزان نفتی به ارزش ۱٫۶ میلیارد دلار در هر شش ماه به فروش برساند و درآمد حاصل از آن را برای خرید و واردات مایحتاج ضروری انسان دوستانه به کار گیرد. اما دولت عراق هر دو قطعنامه را رد کرد. قطعنامه ۹۸۶ شورای امنیت که در ۱۴ آوریل ۱۹۹۵ به تصویب رسید، نسبت به قطعنامه های قبلی بسیار ملایمتر و متعادل تر بود. این قطعنامه به دولت عراق اجازه می داد تا هر ۹۰ روز، میزان نفتی به ارزش

1. Denis Halliday

یک میلیارد دلار به فروش برساند و قسمت اعظم درآمد حاصله از آن را صرف خرید مایحتاج انسان دوستانه گرداند.^{۳۴}

با این وجود، قطعنامه ۹۸۶ نیز به بهانه این که حاکمیت ملی کشور را زیر سؤال می برد، از سوی دولت عراق رد شد و زمانی که دولت با تورم لجام گسیخته ای روبرو گردید با اجرای این قطعنامه در ۱۸ ماه بعد، یعنی در ۲۵ نوامبر ۱۹۹۶ موافقت کرد. بنابراین در ۱۰ دسامبر ۱۹۹۶، صدام حسین دستور صدور نفت کرکوک (ایستگاه شماره یک) را از طریق ترکیه صادر کرد. به این ترتیب مرحله اول برنامه نفت در برابر غذا (۱۰ سپتامبر ۱۹۹۶ تا ۷ ژوئن ۱۹۹۷) آغاز شد. به دنبال اجرای این برنامه، اولین محموله غذا و دارو در مارس ۱۹۹۷ وارد عراق شد. در ۲۰ فوریه ۱۹۹۸، شورای امنیت سازمان ملل، تصمیم به تقویت این برنامه گرفت. به دنبال آن قطعنامه ۱۱۵۳، اجازه فروش نفت عراق به ارزش ۵٫۲۵ میلیارد دلار در هر ۱۸۰ روز را صادر کرد. در ۱۷ دسامبر ۱۹۹۹ نیز، شورای امنیت به عنوان بخشی از قطعنامه ۱۲۸۴، تصمیم به بالابردن سقف فروش نفت عراق گرفت. در مجموع با گذشت زمان و به کارگیری وسیع تر این طرح، اوضاع رو به بهبود نسبی نهاد، اما «اگر دولت عراق زودتر از آن تاریخ، تصمیم به پذیرش قطعنامه ۹۸۶ می گرفت، میلیونها انسان بیگناه مجبور به تقبل این همه رنج و مشقت نبودند.»^{۳۵}

موانع موجود در استفاده از غذا و دارو: تأثیر اعمال تحریم ها و نقش دولت عراق

بین سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۸، میانگین مصرف روزانه کالری هر شخص در عراق، ۳٫۱۸۹ کالری و میانگین مصرف روزانه پروتئین هر شخص، ۹۰٫۴ گرم بود. بین سالهای ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۶، یعنی در اوج کمبود مواد غذایی در عراق، میانگین روزانه جذب کالری سرانه به ۲٫۲۶۸ کالری کاهش یافت. با این وجود، به عنوان نتیجه اجرای برنامه نفت برای غذا، تا اواخر ۱۹۹۷ و اوایل ۱۹۹۸، این میزان به ۲٫۴۲۴ کالری در روز افزایش یافت. البته اجرای این برنامه، وضعیت را از جنبه دیگری نیز بهبود بخشید و آن دسترسی به مواد خام و غذای رایگان بود که در اواسط دهه ۱۹۹۰ و با جیره بندی غذایی از سوی دولت عراق

فراهم گردید. در اکتبر ۱۹۹۹، سرانه مصرف و دریافت کالری رایگان از ۲,۱۵۰ به ۲,۲۰۰ کالری رسید (نیاز روزانه کالری مصرفی هر شخص، طبق جدول سازمان بهداشت جهانی، ۲۵۰۰ کالری است).^{۳۶} با این وجود، گزارش های رسیده حاکی از آن است که بعضی از خانواده های عراقی، از برنامه سازمان ملل ناراضی هستند و این مقدار جیره غذایی را تنها برای ۲۰ روز در ماه کافی می دانند.^{۳۷} این بدان معناست که بسیاری از خانواده های عراقی، انتظار دریافت میزان سرانه ای، بیش از ۳۰۰۰ کالری در روز را دارند.

اما سؤال این است که چه کسی در دسترسی به مواد غذایی و کمبود آن و همچنین افزایش مداوم نرخ سوء تغذیه کودکان مقصر است؟ آیا این اوضاع نابسامان در نتیجه اعمال تحریم های سازمان ملل است یا بعضاً نتیجه سیاستهای دولت عراق؟ در زمینه میزان تأثیر گذاری تحریم های اعمال شده، در صفحات قبل، بحث کافی به عمل آمد. بنابراین نگاهی به موانعی که از سوی دولت عراق در تقویت و پیشبرد طرح های موجود سازمان ملل (از دید مقامات مسئول و مرتبط با این طرح) ایجاد کرده، می تواند تا حدودی قضیه را روشن تر کند. «کارول بلامی»^(۱) رییس یونیسف، بعد از دیداری که از عراق داشت، مطرح می کند که نباید همه مسائل و مشکلات را صرفاً به اعمال تحریم های سازمان ملل نسبت داد. او می گوید، «جنگ های عراق با کشورهای همسایه و مخالفان داخلی، همچنین نبود سرمایه گذاری در بهداشت کودکان به بدتر شدن اوضاع کودکان در مناطق تحت کنترل دولت کمک کرده است».^{۳۸} در واقع این مسئله مورد قبول بسیاری از افراد قرار گرفته که رنج و مشقت به وجود آمده برای مردم عراق، قبل از هر چیز ناشی از تجربه های خونین و جنگ های پی در پی دولت این کشور است، نه کاملاً در اثر تحریم های به کار گرفته شده از سوی سازمان ملل متحد.^{۳۹}

بعضی از مقامات مسئول بین المللی نیز معتقدند، دولت عراق تمایلی به استفاده از منابع مالی ناشی از برنامه نفت برای غذا، جهت سفارش و خرید محصولات مغذی برای زنان باردار و شیرده و همچنین کودکان کم سن و سال ندارند. در آگوست ۱۹۹۹، دبیر کل سازمان

۱. Carol Bellamy

ملل متحد، در این زمینه می نویسد: «علی رغم تقاضاهای مکرری که از سوی سازمان ملل صورت گرفت، تا ۳۱ جولای ۱۹۹۹، تنها یک درخواست برای خرید بیسکویت های پروتئین دار، به ارزش ۱٫۷ میلیون دلار، به سازمان ملل رسیده است. همچنین هیچگونه درخواستی برای خرید شیر خشک های مخصوص درمانی، ارائه نشده است.»^{۴۰} طبق اظهارات کوفی عنان، به دنبال چندین ماه پی گیری مداوم سازمان ملل (در طول مراحل ۴، ۵ و ۶ برنامه نفت برای غذا)، سرانجام دولت عراق بسیاری از مایحتاج ضروری طرح تغذیه را سفارش داد. به همین منظور، اولین محموله این طرح، شامل ۴۶۱ تن از بیسکویت های پروتئین دار، در اواخر سپتامبر ۱۹۹۹ وارد عراق شد.

در نتیجه تأخیر در انجام این سفارشات، ۴۲۵٫۳۵۰ کودک زیر ۵ سال که دچار سوء تغذیه شده بودند و همچنین ۳۰۰٫۰۰۰ زن باردار و شیرده، منتظر دریافت چنین آذوقه های پروتئین داری بودند.^{۴۱} «هانس ون اسپونک»^(۱) هماهنگ کننده کمک های انسان دوستانه سازمان ملل، در اواخر اکتبر ۱۹۹۹، گزارش می دهد: «عراق هر دلار به دست آمده ناشی از این برنامه را (۲۷ میلیون دلار) برای طرح ویژه تغذیه زنان باردار، مادران جدید و کودکان کم سن و سال هزینه کرد.»^{۴۲} او همچنین تا اکتبر ۱۹۹۹ گزارش داد که دولت عراق به سازمان ملل اجازه داد تا به میزان ذخیره غذایی این کشور دسترسی داشته باشد.^{۴۳} هر چند در اکثر کشورها، چنین مسئله ای یک امر طبیعی است، اما در مورد دولت عراق، این مسئله دستاورد مهمی برای سازمان ملل به حساب می آید.

مسئله مهم دیگر که یونیسف، شدیداً از آن نگران و معتقد است که زندگی بسیاری از کودکان عراقی را به خطر می اندازد، «تغییر الگوهای شیردهی کودکان» می باشد. طبق یک بررسی در سال ۱۹۹۸، الگوهای شیردهی کودکان به وسیله مادران با توجه به رواج و استفاده گسترده از شیشه های شیر در طی سالهای گذشته که از ۲۱ درصد به ۳۱ درصد افزایش یافته، در حال نابودی است. این مسئله منجر به عدم تشویق و به کارگیری تغذیه کودکان از طریق شیر مادران می شود. «چنین شیشه های شیری که با آبهای آلوده مورد

استفاده قرار می‌گیرند... منجر به اسهال و بیماریهای مرگ‌بار، همراه با سوءتغذیه می‌شوند.^{۴۴} در واقع زمانی که مادران کمتر به مواد غذایی دسترسی داشته باشند، شیری برای تغذیه کودکان ندارند، لذا ترجیح می‌دهند که از شیر خشک استفاده کنند. همین امر الگوهای شیردهی توسط مادران را تغییر داده است.

وجود فرآورده‌های دارویی نیز برای کاهش سوءتغذیه کودکان ضروری هستند. «بنون سوان»^(۱) مدیر اجرایی برنامه‌عراق در سازمان ملل، در می ۱۹۹۹ گزارش داد که «فرآورده‌های دارویی به ارزش حدود ۵۷۰ میلیون دلار وارد عراق شده... نگرانی عمده این است که تنها ۴۸ درصد این فرآورده‌ها... توزیع شده‌اند... در واقع انبارهای دولتی پر از این فرآورده‌ها هستند»^{۴۵} در همان ماه، کوفی عنان، دبیرکل سازمان ملل، گزارش دیگری در این زمینه ارائه داده، و می‌گوید، «عموم مردم و خصوصاً نزدیک به ۴ میلیون کودک عراقی، شدیداً به دارو نیازمندند»^{۴۶} طبق اظهار عنان، دلیل اصلی انباشته شدن دارو در انبارها، از بین رفتن رقابت‌های حرفه‌ای و کاهش انگیزه‌ها میان کارمندان وزارت بهداشت است. از نظر او، این مشکل را می‌توان با ایجاد یک برنامه «توسعه و آموزش انسانی» توسط سازمان ملل برای بخش بهداشت عراق و حمل و اجازه تحویل تجهیزات وارداتی، برطرف کرد.^{۴۷} با این وجود تا پایان اکتبر ۱۹۹۹، اسپونک توانست گزارش دهد که ۶۸ درصد فرآورده‌های دارویی توزیع شده‌اند.^{۴۸}

نتیجه

با بررسی و تجزیه و تحلیل دقیق آماری و میزان تأثیرگذاری اعمال تحریم‌ها و محدودیت‌های ایجادشده از سوی سازمان ملل و همچنین با بررسی نقش دولت عراق در این روند، می‌توان به نتایج زیر دست یافت:

۱- جنگ‌های خونین و ماجراجویی‌های پی‌درپی دولت عراق در برخورد با کشورهای همسایه و همچنین مخالفان داخلی، دلیل اصلی و نقطه آغاز بروز رنج و مشقت مردم عراق است.

1. Benon Sevan

از این لحاظ دولت عراق با تهاجم به کویت که به دنبال خود اعمال تحریم‌های بین‌المللی را در پی داشته است، مقصر اصلی اوضاع نابسامان مردم این کشور است؛

۲- هرچند اعمال تحریم‌های سازمان ملل متحد و محدودیت‌های ایجاد شده در قالب قطعنامه‌های مصوب شورای امنیت، تأثیرات مستقیمی بر وضعیت اسف‌بار مردم عراق داشته است، اما سیاست‌های دولت عراق، همچون عدم پذیرش به موقع قطعنامه‌های سازمان ملل و تأخیرهای به وجود آمده در ارسال کمک‌های انسان‌دوستانه، به تشدید این اوضاع کمک کرده است. بنابراین دولت عراق از این لحاظ مسئولیت سنگینی بر دوش دارد؛

۳- دولت عراق با توزیع نامتعادل منابع مالی و اقتصادی و درآمد ناشی از برنامه نفت برای غذا و با تبعیض قائل شدن میان مردم مناطق مختلف کشور، خصوصاً مناطق شیعه‌نشین جنوبی که سابقه شورش علیه دولت مرکزی را دارند، بر ابعاد این فاجعه انسانی افزوده است؛ همچنین دولت عراق سعی دارد تا با ارائه آمارهای گمراه‌کننده در مورد میزان مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال و مردم این کشور، تمامی مسئولیت‌ها را بر دوش سازمان ملل و جامعه جهانی بیندازد؛

۴- با سابقه‌ای که از دولت عراق در زمینه دستیابی به تسلیحات کشتار جمعی و تلاش جهت خریدهای هنگفت تسلیحاتی برای انجام ماجراجویی‌های خارجی و داخلی وجود دارد، چه بسا اگر برنامه نفت به جای غذا و نظارت سازمان ملل مطرح نمی‌شد، همین مقدار اندک کمک‌های انسان‌دوستانه نیز نصیب اکثریت عظیمی از مردم این کشور نمی‌شد و دولت همچنان اولویت صرف درآمدهای خود را به خرید تسلیحات نظامی اختصاص می‌داد؛

۵- از آنجائی که تداوم تحریم‌های سازمان ملل (که در نوع خود بی‌نظیر است) با هدف تغییر در سیاست‌های دولت و رهبری عراق صورت گرفته و تاکنون نیز نتیجه قابل ملاحظه‌ای در این زمینه دربر نداشته، لذا ادامه این تحریم‌ها جز رنج و مشقت بیشتر مردم عراق نتیجه‌ای نخواهد داشت. بنابراین ضروری است که چاره‌جدیدی در این زمینه اندیشیده شود، چرا که پیامدهای درازمدت این روند، خطراتی جدی برای صلح و ثبات منطقه‌ای در پی خواهد داشت. □

جدول شماره ۱: مشخصات عمده آماری و جمعیتی عراق بین سالهای ۱۹۶۵-۱۹۹۷

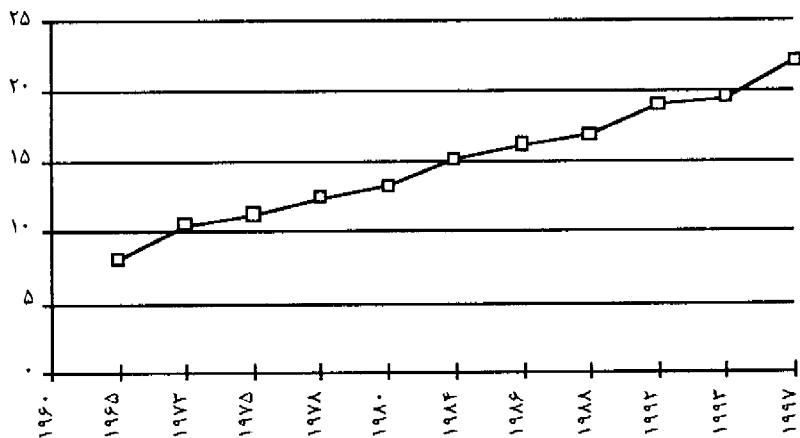
سال	جمعیت کل (میلیون نفر)	نرخ خام تولد (در هر ۱۰۰۰ نفر)	نرخ خام مرگ (در هر ۱۰۰۰ نفر)	نرخ کل باروری	رشد طبیعی
۱۹۶۵	۸,۰۵	۴۸,۹	۱۷,۸	—	۳۱,۱
۱۹۷۳	۱۰,۴۱	۴۳,۶	۱۱,۱	۷,۱	۳۲,۵
۱۹۷۵	۱۱,۱۲	۴۱,۶	۱۰,۱	۶,۹	۳۱,۵
۱۹۷۸	۱۲,۴۰	۴۷	۱۳	۶,۹	۳۴
۱۹۸۰	۱۳,۲۴	۴۵	۱۲,۶	۷,۶	۳۲,۴
۱۹۸۴	۱۵,۰۸	۴۳,۸	۷,۹	۶,۹	۳۵,۹
۱۹۸۰-۸۵	—	۴۳,۸	۷,۹	—	۳۵,۹
۱۹۸۶	۱۶,۱۱	۴۵,۱	۸,۶	۷,۱	۳۶,۵
۱۹۸۸	۱۶,۸۸	۳۸,۸	۷,۵	۶,۱	۳۱,۳
۱۹۹۲	۱۸,۹۵	۳۶,۵	۶,۵	۵,۸	۳۰
۱۹۹۳	۱۹,۴۸	—	—	—	—
۱۹۹۴	—	۳۴,۱	۹,۸	۴,۹	۲۴,۳
۱۹۹۶	—	۳۱,۳	۱۰,۱	۵	۲۱,۲
۱۹۹۷	۲۲,۰۲	—	—	—	—

منبع: وزارت برنامه ریزی و سازمان مرکزی آمار عراق

نقل از:

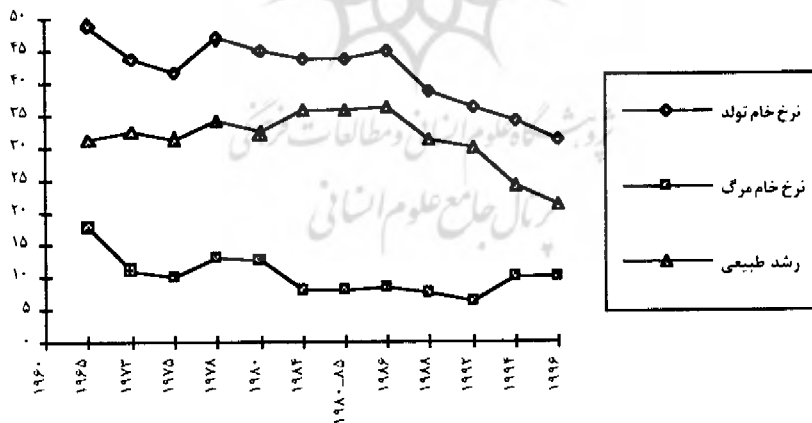
- Amatzia Baram, "The Effect of Iraqi Sanctions: Statistical Pitfalls and Responsibility," *Middle East Journal*, Vol. 54, No. 2, Spring 2000, p. 200.

نمودار شماره ۱: جمعیت کل عراق بین سالهای ۱۹۶۵-۹۷



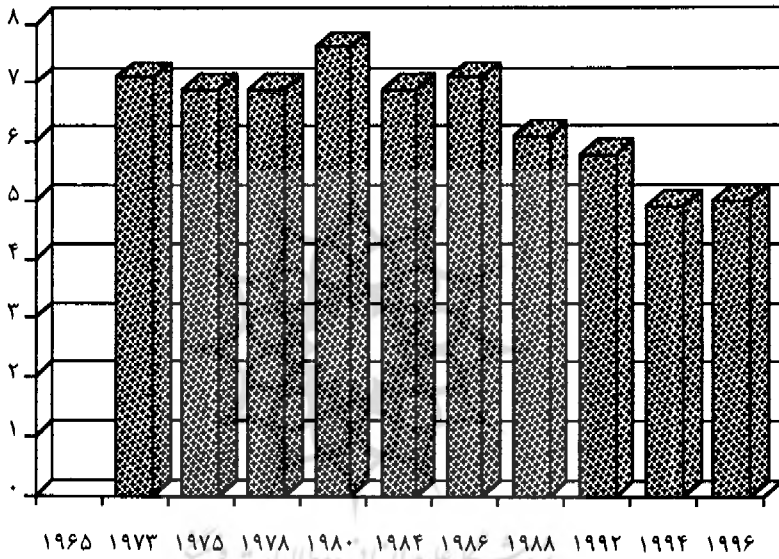
منبع: ترسیم نمودار با توجه اطلاعات جدول شماره ۱

نمودار شماره ۲: نرخ های رشد طبیعی عراق



منبع: ترسیم نمودار با توجه به اطلاعات جدول شماره ۱

نمودار شماره ۳: نرخ های کل باروری در عراق. بین سالهای ۱۹۷۳-۱۹۹۶



منبع: همان

1. International Action Center
2. Richard Garfield, *Morbidity and Mortality among Iraqi Children from 1990 to 1998: Assessing the Impact of Economic Sanctions*, Goshen, Indiana: Institute for International Peace Studies, Univ-of Notre Dame and Fourth Freedom Forum, March 1999, p. 12.
3. Statistical analysis based on, Ministry of Planning, Central Statistical Organization, *Annual Abstract of Statistics 1989*, Baghdad, p. 35, table 211.
4. CBR-Crude Birth Rate
5. See *Annual Statistical Collection 1993*, Baghdad, 1994, p. 408.
6. See Gad G. Gillbar, *Population Dilemmas in the Middle East*, London, Portland: Frank Cass, 1997, pp. 81-85.
7. Onn Winckler, "Rapid Population Growth and Fertility Policies of the Arab Countries of the Middle East and North Africa," in *Transformations of Middle Eastern Natural Environment: Legacies and Lessons*, New Haven Yale University: Bulletin Series, Yale School of Forestry and Environment Studies, 1998, pp. 444-448.
8. See UNICEF/ Iraq, *Situation Analysis of Children and Women in Iraq*, Baghdad, 30 April 1998, henceforth SACHW1 April 1998.
9. ECWA- Economic Commission for Western Asia, ESCWA- Economic and Social Commission for Western Asia.

۱۰- به عنوان مثال، ر. ک. به :

Economic and Social Commission for Western Asia (ESCWA), *Statistical Abstracts of the ESCWA Region Sixteenth Issue*, New York: U.N., 1996, p. xi

11. TFR-Total Fertility Rate.

12. AAS 1989, pp. 270.

۱۳- به عنوان مثال، ر. ک. به :

"Reports on Baghdad's Hospitals," in *alwast*, 17 August 1998, p. 24.

14. FAO-Food and Agriculture Organization.

15. George A Lopez and David Cortright in Richard Garfield, *op.cit.*, p. 4.

16. UN Inter- Agency Humanitarian Programme for Iraq.

17. Garfield, *op.cit.*, p. 12.

18. Barbara Crosette, *The New York Times*, 29 October 1996, p. A6.

19. WHO-World Health Organization.

20. Garfield, *op.cit.*, p. 12.

21. OFP-Oil-for-Food Program.

۲۲- برای آگاهی بیشتر از نوشته های بعضی از محققین بدبین در این زمینه، ر.ک. به:

Anthony Cordesman, *Sanctions and the Iraqi People: The WHO Report and Conflicting Views*, Washington, D.C.: Center for Strategic and International Studies, 1997. See also: Patrick Clawson, "Oil-for-Food or the End of Sanctions," in *Policy Watch*, No. 303, 1998, Washington, D.C.: The Washington Institute for Near East Policy, pp.1-4.

23. Office of the Iraq Programme Oil-for-Food, 90 Day Report of the Secretary- General, New York: UN Headquarters, 22 August 1999, p. 9.

24. FBIS- NES-DR JN1410183899, 14 October 1999.

25. Wael Falch, Associated Press (AP) from Baghdad, 20 September 1999.

26. Garfield, *Executive Summary*, pp. 1-2.

۲۷- همان منبع، همچنین برای آگاهی بیشتر در این زمینه، ر.ک. به: دنیس جی. هالیدی، «تأثیر تحریم های سازمان ملل متحد بر مردم عراق»، ترجمه پروین امجدی سپهر، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال ششم، شماره ۴، پاییز ۱۳۷۸، صص ۲۰۱-۲۰۰. در زمینه تأثیرات از بین رفتن زیر ساخت های عراق، همچون شبکه های فاضلاب، آب بهداشتی، وضعیت نظام آموزشی، مراقبت های بهداشتی. ر.ک. به:

"The Health Condition of Population in Iraq Since the Gulf Crisis," Geneva: World Health Organization, March 1996; "Special Report: FAO/WFP Food Supply and Nutritional Assessment Mission to Iraq," Rome FAO, 1997, p. 102.

28. *Executive Summary, op. cit.*, pp. 1-2.

۲۹- هالیدی، همان منبع، ص ۲۰۱. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

30. Office of the Iraq Programme Oil-for-Food, *90 Day Report of the Secretary-General*, New York: UN Headquarters, 22 August 1999, p. 9.

۳۱- اطلاعات یونسف در خصوص سه استان شمالی (کردنشین) عراق، بیانگر کاهش آمار مرگ و میر به میزان ۲۵ درصد در نیمه دوم سال ۱۹۹۷ است. اما چنین پیشرفتی در مناطق جنوبی مشاهده نمی شود. ر.ک. به: هالیدی، همان منبع، ص ۲۰۱.

32. *An interview with CNN Early Edition*, 7 September 1999, Internet Edition.

همچنین برای آگاهی بیشتر از میزان تأثیرات تحریم های سازمان ملل بر قشر متوسط عراق، ر.ک. به:

Stephen Zunes, "Confrontation with Iraq: A Bankrupt U.S. Policy," *Middle East Policy*, Vol. VI, No. 1, June 1998, pp. 101-103.

۳۳- برای آگاهی بیشتر در این زمینه، ر.ک. به: هالیدی، همان منبع، ص ۲۰۵-۲۰۲.

۳۴- طبق مفاد این قطعنامه، ۵۳ درصد عایدات ناشی از فروش نفت، صرف خرید مایحتاج ضروری برای نواحی مرکز و جنوب عراق، ۱۳ درصد برای خرید مایحتاج ضروری در سه استان شمالی (کردنشین) کشور، ۳۰ درصد به صندوق غرامت سازمان ملل، ۲٫۲ درصد برای اجرای برنامه نفت برای غذا، ۰٫۸ درصد برای هزینه های آنسکام و ۱ درصد نیز به منظور تضمین این امر به یک حساب ثالث، اختصاص می یافت. ر.ک. به: قطعنامه ۹۸۶ شورای امنیت سازمان ملل متحد.

35. *Human Rights in Iraq: Commission on Human Rights Report*- March 10, 1998, Geneva: 14 April 1998, p. 20.

36. SACHWI, April 1998, 1.3.2.4.

37. *United Nations: Report of the Secretary- General Pursuant to Paragraph 10 of Security Council Resolution 1153*, New York: UN Headquarters, 19 November, 1998, p. 5.

38. AP, "Iraq's Children's Plight Worsens," 16 October 1999.

39. AP, September 1999, p.A10, Internet Version.

40. *Ninety Day Reports of the Secretary- General to the Security Council*, UN office of the Iraq Programme, www. un. org./ Depts/ oip/ reports. html, 22 August 1999, pp. 7-8.

41. *UN Report of the Secretary General Pursuant to Paragraph 6 of Security Council Resolution 1242*, New York: 12 November 1999, pp. 10-11, internet Version.

42. *Agence France Presse (AFP)*. 26 October 1999.

43. *Ibid.*

44. See World Food Program, *Up date EFP in Iraq*. NY: April 1999, p. 6.

45. UN Office of the Iraq Programme (UNOIP), "Oil-for-Food," *Note to Correspondents from Baghdad*, 12 May 1999.

46. Leon Barkho, AP, from Baghdad, 20 May 1999.

47. *Ibid.*

48. *Agence France Presse (AFP)* from the UN, 26 October 1999.